

تحقیقی درباره

منکبرنی

مرحوم علامه قزوینی درباره اسم جلال الدین بتوضیح مختصری قناعت ننموده، مسأله را با دید وسیع مورد حلاجی قرار داده اند که ما قبل از بحث درباره حلّ این معما، به نوشته‌ی استاد که در قسمت حواشی و اضافات تاریخ جهانگشای^۱ مندرج است اشاره می‌نمائیم.

مشارالیه درباره منکبرنی اینطور توضیح فرموده‌اند: «هم در ضبط این کلمه و هم در وجه تسمیه و مفهوم آن اختلاف بسیار است، و تا کنون بنظر راقم سطور نرسیده که جائی این کلمه را صراحة ضبط کرده باشند ولی در اغلب نسخ قدیمه فارسی و عربی که این جانب تتبع کرده است غالباً این کلمه را در کمال وضوح منکبرنی (بمبیم و نون و کاف و باء موحدّه و راء مهمله و نون و در آخر یاء آخر حروف) نوشته‌اند و عمده اختلاف در حرف ماقبل آخر است که آیا نون است کما علیه اغلب النسخ یا تاء مثلاً فوقیه چنانکه بعضی ازمستشرقین اروپا فرض کرده‌اند...»

بعد مرحوم قزوینی درباره منکبرنی به ذکر چند شاهد از نسخ معتبر و نفیس اکتفاء نموده‌اند، از جمله:

«او کتاب موسوم بسیره جلال الدین منکبرنی تألیف محمد بن احمد بن علی بن محمد التّسوی منشی سلطان جلال الدین که در همه سفرها و غزوات در رکاب او حاضر

بوده است. مؤلف این کتاب را در سنه ۶۳۹ یعنی یازده سال بعد از وفات سلطان جلال الدین (۶۲۸) تألیف نموده و یک نسخه نفیسی از آن که ظاهراً منحصر بفرد است و در سنه ۶۶۰ (یا ۶۶۷ بقرات هوداس) استنساخ شده در کتابخانهٔ ملی پاریس محفوظ است.^۱ کلمهٔ منکبرنی در این نسخه پنج یاشش مرتبه ذکر شده است در صفحات ۲، ۳۶، ۷۷ (دومرتبه)، ۳۳۵ از اصل نسخهٔ پاریس...»

«ثانیاً خود جهانگشای که مؤلف آن زمان سلطان جلال الدین را در اوایل عمر دریافته بوده و آباء و اجداد وی همه از ملازمان خوارزمشاهیه بوده اند و جد وی شمس الدین محمد مستوفی دیوان سلطان جلال الدین بوده است، جهانگشای چنانکه در مقدمه مذکور شد در حدود سنه ۶۵۰-۶۵۸ یعنی بیست و سه سال بعد از وفات سلطان جلال الدین (۶۲۸) تألیف شده و یک نسخه معتبر قدیمی از آن (نسخه آ) که در سنه ۶۸۹ استنساخ شده در کتابخانهٔ ملی پاریس موجود و اساس طبع این کتاب (جهانگشای) است، این کلمه گویا فقط یک مرتبه در جهانگشای بیش ذکر نشده (ج ۲ ص ۱۶۵ س ۱۹) و چنانکه در حاشیهٔ آنجا متعرض شدیم در نسخهٔ مذکوره این کلمه در کمال وضوح «منکبرنی» بانون بضبط فوق مسطور است...»

بعد استاد از معجم البلدان یا قوت (تألیف ۶۲۱-۶۲۴) و طبقات ناصری منهاج سراج جزجانی (تألیف ۶۵۸) و کتاب مسالك الأبرار فی ممالك الأمصار لابن فضل الله الدمشقی (متوفی ۷۴۹) شاهد آورده اند که این کلمه را منکبرنی بانون تلفظ کرده اند. مرحوم علامه از مستشرقین اروپائی که کلمهٔ منکبرنی را بانون خوانده اند نیز یاد می فرمایند از جمله: کاترمر Quatremère و الیوت Elliot، ریو Rieu، راورتی Raverty، ادوارد تماس Edward Thomas.^۲

۱- بدین نشان Arabe 1899

۲- رك. تاریخ جهانگشای ج ۲ ص ۲۸۷

اما نظریه استاد درباره منکبرتی باتاء مشتاة فوقیه: «عموماً این کلمه را مر کب از «مونکو» که بمغولی بمعنی ابدی و جاوید است یعنی خدا و از (بِرتی) ماضی از فعل پیرماک (یعنی دادن بترکی) گرفته اند پس معنی ترکیبی منکبرتی بنا برین «خداداد» می شود، و این توجیه دربدو امر بنظر بسیار مناسب و نزدیک بذهن می آید و نظایر بسیار نیز برای آن می توان آورد چون خداویردی و اللهویردی و امثالها...»

در این جا مرحوم قزوینی باوسواس و تردید تلفظ منکبرتی را مشکوک و چنین نظر میدهند: «و بنظر این جانب عجاله از دلائل خارجی قراءت این کلمه بطور قطع و تحقیق ثابت نشده است احتیاط در این است که متابعت اغلبیت نسخ قدیمه را نموده آنرا منکبرنی بانون خواند و نوشت...» با این حال استاد از کسانی که این کلمه را منکبرتی باتاء مشتاة فوقانیه خوانده اند مثال می آورند: «مأسوف علیه دوسون d'Ohsson صاحب تاریخ معروف مغول است در چهار جلد بزبان فرانسه، وی در جلد اول از تاریخ مزبور ص XII و ۱۹۵۰ این کلمه را منکبرتی Mangoubirti و Mangou-birti (بحروف عربی و فرانسه) نوشته اند و آنرا بمعنی «خداداد» فرض کرده مر کب از کلمه منگو بمعنی جاوید و برتی یعنی «داد»؛ دیگر مأسوف علیه بارون دوسلان de Slane است که در کتاب موسوم (بمورخین شرقی حر و بصلیبیه) ج ۱ ص ۸۱۹، ۸۴۴ این کلمه را منکبرتی Mancobirti (بحروف عربی و فرانسه) نوشته و به Deus dedit (خداداد) تفسیر کرده...»

مرحوم علامه بعد از مسیو هوداس Houdas و شفر Schefer و مسیو بلوشه Blochet که این اسم را منکبرتی خوانده اند، بحث کرده اند^۱.

مسیو بلوشه در حواشی ص ۵۷۶ از متن جامع التواریخ و ص ۶۱ از حواشی که در مقدمه کتاب مذکور افزوده است این اسم را منککو برتی و منککو بردی

Mönkké-birdi (بحروف عربی و فرانسه) نوشته‌اند که بمعنای «خدای جاوید او را آفریده» ترجمه کرده‌اند.

اما نظر نگارنده درباره این کلمه و تلفظ صحیح آن :

در سال ۱۹۰۵ میلادی سگه ناسدر و منحصر بفردی توسط E.Zambaur کشف گردید که درعیان معمائی نام جلال‌الدین نقش مهمی را بعهده داشت.^۱

مسلم است کشف Zambaur که قریب هفتسال قبل از نشر تاریخ جهانگشای بوده، بنظر مرحوم قزوینی نرسیده است، چه اگر استاد در این باره اخباری داشتند درحاشیه با اشاره باین مسأله توضیح و تفسیری می‌فرمودند و طرز تلفظ این اسم را تثبیت می‌کردند.

در این سگه نام جلال‌الدین منکبرتی حک شده است. Mangou = جاوید، دائم یعنی خدا و berti یا birti = داد که بمعنی خداداد، الله‌ویردی است.

علامه کوپرولو M.Fuad köprülü بعد از تصدیق اسم منکبرتی به قصیده کمال اصفهانی که معاصر سلطان جلال‌الدین بوده و با این مطلع شروع می‌شود :

بسیط روی زمین باد کشت و آبادان

بیمن سایه چتر خدایکان جهان^۲

۱- Contribution a La Numismatique Orientale, I, Vienne 1905
Extrait de La Numismatische Zeitschrift, vol. XXXVI.

۲- در جهانگشای (ج ۲ ص ۱۶۵) مطلع قصیده به صورت زیر مندرج است :

بسیط روی زمین گشت باز آبادان

بیمن سیر سپاه خدایکان جهان

در نسخه ه : چتر سپاه و در ز : چتر بلند آمده است. درباره چتر (چتر سلطنتی یا همایونی) بایستی توضیح مختصری داده شود. در عهد خوارزمشاهیان، سلطان چتر مخصوصی برنگ سیاه داشتند که درعیدهای مذهبی و ملی یا در مراسم مخصوص بالای سر خوارزمشاه قرار می‌گرفت. برنگ سیاه اختصاص بسلطان (خوارزمشاه) داشت و شاهزادگان و امرا نمی‌توانستند از این رنگ استفاده بکنند.

استناد کرده‌اند- تکیه‌گاه ایشان بادر نظر گرفتن معنی شعر مصرع ذیل است :

جلال دنیا و دین منکبرتی آن شاهی

نسخه‌ای که مورد استفاده کوپرولو قرار گرفته از نسخ خطی نفیس و قدیمی (و شاید منحصر بفرد) دیوان کمال اصفهانی است^۱.

بدلایلی که بیان گشت می‌توان این معما را حلّ شده بحساب آورد و این اسم را با تاء مشّاة فوقانیّه تثبیت نمود .

پایان

